

علوم و فنون ادبی ۱

ص ۱۳. درس یکم: مبانی تحلیل متن

پایان ترم اول: ۲ نمره تئوری + ۴ نمره تحلیل

پایان ترم دوم: ۴ نمره تحلیل فصل

هر چیزی که ذهن ما را به پویایی درآورَد، **متن** است.

متن، فقط نوشته روی کاغذ نیست:

صدایی که می‌شنویم متن شنیداری

بویی که حس می‌کنیم متن بویایی

رویدادی که می‌بینیم متن دیداری

مزه‌ای که می‌چشیم متن چشایی

چیزی که لمس می‌کنیم متن لمسی

کتاب، متنی دیداری است که اگر خوانده شود، **متنی شنیداری** یا **خوانداری** است.

کتاب: دیداری، شنیداری، لمسی (خط بریل) یا لمس جلد و کاغذ، بویایی (بوی کاغذ یا جوهر)

دریا: دیداری، شنیداری، لمسی، چشایی (طعم آب)، بویایی

فیلم: دیداری، شنیداری

برنامه رادیویی: شنیداری / خوانداری

خوراکی: چشایی، بویایی، دیداری، لمسی (لزوج یا خشک)، شنیداری (تخمه)

بدن: لمسی، دیداری، بویایی، چشایی، شنیداری (صدای قلب، صحبت کردن، دست زدن و...)

مقصود ما از متن، در این کتاب، آثار **شعر و نثر فارسی** است.

برای شناخت و ارزیابی متون لازم است معیارهایی طراحی گردد و روش کار بیان شود.

یکی از ساده‌ترین و کاربردی‌ترین شیوه‌ها برای شناخت و ارزیابی متون، این است که متن از سه دیدگاه زبان، ادبیات و فکر بررسی شود.

یعنی متن (شعر یا نثر) برای ارزیابی، در سه قلمرو زبانی، ادبی و فکری بررسی شود.

ص ۱۳. متون یا آثار مکتوب ادبی به دو بخش شعر و نثر تقسیم می‌شود.

در بررسی و تحلیل متن باید به ترتیب، به نکات زیر توجه کنیم:

۱. خوانش؛

۲. شناسایی و استخراج نکات زبانی؛ استخراج: بیرون کشیدن/ درآوردن

۳. شناسایی و استخراج نکات ادبی؛

شناسایی و استخراج نکات فکری؛

نتیجه‌گیری و تعیین نوع.

۱. خوانش شعر

خواندن دقیق متن، نخستین گام در رویارویی با متون است؛ البته پیش از خوانش، نگاهی کلی به متن از آغاز تا انجام برای کشف لحن و آهنگ، ضروری است.

پس از شناسایی لحن مناسب با حال و محتوای اثر، خواندن اتفاق می‌افتد. پس لازم است تمام اثر، یکباره و بی‌گسست خوانده شود تا درک ارتباط طولی و فهم محتوایی دچار اختلال نشود.

شعر روباه و شکارچی لحن روایی - داستانی دارد.

ب ۱. به دام افتاد روباهی سحرگاه به روبه‌بازی اندیشید در راه

جملات کوتاه و ساده (هر مصراع یک جمله ساده است)

واژه‌های فارسی دارد. واژه عربی ندارد

ترکیب‌سازی: روبه‌بازی (روبه + باز + ی)

ب ۲. که گر صیاد بیند هم‌چنینم دهد حالی به گازر پوستینم

جمله‌های کوتاه

واژه کهن / قدیمی: گازر

ساختمان بیشتر واژه‌ها ساده است: صیاد، گازر

شبکه معنایی: صیاد و گازر و پوستین **مراعات نظیر**

ب۳. پس آن گه مرده کرد او **خویشتن** را ز بیم جان، فرو افکند **تن** را

جملات کوتاه و ساده (هر مصراع یک جمله ساده است)

کاربرد دستور تاریخی: مرده کرد

واژه‌ها فارسی هستند. واژه عربی ندارد

ب۴. چو صیاد آمد او را مرده **پنداشت** نمی‌یارست روبه را کم **انگاشت**

جملات کوتاه (۴ جمله کوتاه دارد)

کاربرد دستور تاریخی: نمی‌یارست ... کم انگاشت

ب۵. ز بن ببرید حالی گوش او **لیک** که گوش او به کار آید مرا **نیک**

۲ جمله کوتاه

بیشتر واژه‌ها ساده هستند: گوش، نیک

کاربرد دستور تاریخی: ببرید: ب + برید (استفاده از ب بر سر فعل ماضی ساده)

ب۶. به دل روباه گفتا: / ترک **غم** گیر / چو زنده مانده‌ای / یک گوش **کم** گیر

کنایه: ترک غم گیر یعنی **غصه نخور**

۴ جمله کوتاه دارد

همه واژه‌ها فارسی هستند. واژه عربی ندارد

بیشتر واژه‌ها ساده هستند یعنی مشتق یا مرکب نیستند: دل، روباه، ترک، غم، گوش، کم

ص ۱۴ب ۱. یکی دیگر بیامد / گفت: / این **دم** زبان او به کار آید مرا **هم**

جملات ساده و کوتاه

دستور تاریخی: بیامد ب بر سر فعل ماضی ساده قرار گرفته است

همه واژه‌ها فارسی هستند. واژه عربی ندارد

واژه‌ها ساده هستند یعنی مشتق یا مرکب نیستند: دیگر، دم، زبان، کار

دم - هم : جناس ناقص اختلافی

ب ۲. زبانش برید آن مرد ناگاه / نکرد از بیم جان، یک ناله روباه /

جمله‌های کوتاه و ساده

همه واژه‌ها فارسی هستند

بیشتر واژه‌ها ساده هستند: زبان، مرد، بیم، جان، یک، روباه (ناگاه و ناله مشتق / وندی هستند)

ب ۳. دگر کس گفت: ما را از همه چیز به کار آید همی دندان او نیز

جمله‌های ساده

همه واژه‌ها فارسی هستند

دستور تاریخی: همی به جای می

جناس: چیز - نیز

ب ۴. نزد دم / تا که آهن درفکندند / به سختی چند دندانش کشیدند /

کنایه: دم نزد یعنی حرفی نزد

جملات ساده و کوتاه

همه واژه‌ها فارسی هستند نه عربی

بیشتر واژه‌ها ساده هستند: دم، آهن، دندان (سختی مشتق / وندی است)

ب ۵. به دل روباه گفتا: گر بمانم / نه دندان باش / و نه گوش / و زبانم /

جمله‌های ساده و کوتاه (۵ جمله)

همه واژه‌ها فارسی هستند نه عربی

همه واژه‌ها ساده هستند: دل، روباه، دندان، گوش و زبان

شبکه معنایی: دل، دندان، گوش و زبان **مراعات نظیر**

ب.۶. دگر کس آمد / و گفت / **اختیار** است دل روبه / که رنجی را به **کار** است /

۴ جمله ساده و کوتاه

دستور تاریخی: استفاده از را به معنای برای

همه واژه‌ها ساده هستند: دگر، کس، اختیار، روبه، رنج و کار

بیشتر واژه‌ها فارسی هستند. فقط اختیار عربی است

ب.۷. چو نام دل شنید از دور **روباه** جهان بر چشم او شد تیره آن **گاه**

همه واژه‌ها فارسی هستند

بیشتر واژه‌ها ساده هستند: نام، دور، روباه، چشم، گاه (جهان و تیره مشتق هستند)

کنایه: جهان بر چشم او تیره شد به شدت ناراحت شد

ب.۸. به دل می‌گفت: / با دل نیست **بازی** / کنون باید به کارم **حیله‌سازی** /

۳ جمله ساده و کوتاه

ترکیب سازی: حیله‌سازی

بیشتر واژه‌ها فارسی هستند به جز حیله

ب.۹. بگفت این / او به صد دستان و **تزویر** بجست از دام، / همچون از کمان **تیر**

۳ جمله ساده و کوتاه

شبکه معنایی: دستان، تزویر، دام **مراعات نظیر**

دستور تاریخی: بگفت و بجست ب بر سر فعل ماضی

تشبیه: روباه از دام جست مانند تیر از کمان

ب.۱۰. حدیث دل حدیثی بس **شگفت** است که در عالم حدیثش در گرفته است

قالب شعر: مثنوی (مصرع ها دو به دو هم قافیه هستند)

تکرار: حدیث

قلمرو فکری:

از مقایسه اجزای بدن (گوش، زبان، دندان) با دل، برتری دادن دل به همه اجزا در این شعر، به این نکته پی می‌بریم که شاعر دل را جایگاهی با اهمیت می‌داند و به همین سبب می‌گوید: «با دل نیست بازی» و بعد از این در بیت پایانی، نتیجه‌گیری عرفانی شاعر آشکار می‌شود.

این شعر اگرچه ظاهری ساده و داستانی دارد، پایان‌بندی و نتیجه‌گیری شاعر، بیانگر ذهن خلاق شاعر است که یک نکته عمیق معرفتی درباره ارزش و جایگاه دل را این‌گونه در قالب داستان روباه و شکارچی گنجانده است تا بگوید که همه چیز وجود ما دل است و گرانبهایی دل، به سبب این است که دل، خانه و جایگاه خداوند است.

ص ۱۶. نتیجه‌گیری و تعیین نوع:

شعر، ظاهری ساده و محسوس و عینی دارد اما نتیجه‌گیری پایانی، مفهومی ذهنی و معنوی است.

باتوجه به حکمت و معرفتی که در شعر نهفته است و شاعر برای بیان آن از ظرف داستانی بهره گرفته است در مجموع این شعر را در رده ادبیات تعلیمی می‌توان جای داد.

چشم‌خوانی: ابتدا با آرامش، متن را یکبار از نظر می‌گذرانیم سپس به خوانش متن می‌پردازیم.

قدیمی‌ترین طبقه‌بندی انواع ادبی در یونان باستان مبتنی بر شعر و جنبه محتوایی صورت گرفته است.

حماسی: اسطوره‌ها و پهلوانی‌ها و جنگاوری‌ها (شاهنامه فردوسی، اسکندرنامه نظامی)

غنایی: درباره احساسات (غزل، مرثیه/ سوگنامه، حبسیه) لیلی و مجنون، خسرو و شیرین

نمایشی: مانند نمایشنامه‌ها و تعزیه‌ها

تعلیمی: با هدف آموزش (مثنوی معنوی، کلیله و دمنه، گلستان، بوستان، قابوسنامه)

۱. خوانش متن

اکنون متن زیر را با توجه به توضیحات درس و آموخته‌های پیشینف با دقت می‌خوانیم. برای استخراج نکات مهم بهتر است از آغاز، کاغذ و قلمتان را آماده کنید تا به موقع، واژه‌ها یا جمله‌های ویژه را نشانه‌گذاری و یادداشت نمایید.

«چون بشناختم که آدمی، شریف‌تر خلایق است و قدر ایام عمر خویش نمی‌داند، در شگفت افتادم و چون نیک بنگریستم؛ دریافتم که مانع آن، راحت اندک و نیاز حقیر است که مردمان بدان، مبتلا گشته‌اند.

هر که به امور دنیایی رو آورد و از سعادت آخرت خود غفلت کند، همچون آن مرد است که از پیش‌تر مست بگریخت و به ضرورت، خویشتن در چاهی آویخت و دست در دوشاخ که بر بالای آن روئیده بود و پاهایش بر جایی قرار گرفت. در این میان، بهتر نگریست، هر دو پای، ب سر چهار مار بود که سر از سوراخ بیرون گذاشته بودند. نظر بر قعر چاه افکند، ازدهایی سهمناک دید؛ دهان گشاده و افتادن او را انتظار می‌کرد. بر سر چاه، التفات نمود. موشان سیاه و سپید، بیخ آن شاخ‌ها دایم می‌بریدند و او در اثنای این، تدبیری می‌اندیشید و خلاص خود را طریقی می‌جُست. پیش خویش، زنبور-خانه‌ای و قدری شهد یافت، چیزی از آن به لب بُرد، از نوعی در حلاوت آن مشغول گشت که از کار خود غافل ماند و نه اندیشید که پای او بر سر چهار مار است و نتوان دانست در کدام وقت در حرکت آیند و موشان در بریدن شاخ‌ها، جد بیلغ می‌نمایند و ...؛ چندان که شاخ بگسست و آن بیچاره حریص در دهان ازدها افتاد.

پس من دنیا را بدان چاه پر آفت، مانند کردم و موشان سپید و سیاه و مداومت ایشان بر بریدن شاخ-ها بر شب و روز و آن چهار مار را به طبایع که عماد خلقت آدمی است و هرگاه که یکی از آن در حرکت آید، زهر قاتل باشد و چشیدن شهد و شیرینی آن را مانند کردم به لذات این جهانی که فایده آن، اندک و رنج آن، بسیار است و راه نجات بر آدمی، بسته می‌گرداند و ازدها را مانند کردم به مرجعی که از آن چاره نتواند بود؛ هر آینه بدو باید پیوست و آنگاه ندامت، سود ندارد و راه بازگشتن مهیا نیست»

۲. شناسایی و استخراج نکات زبانی

برخی از نکات برجسته قلمر زبانی متن عبارت اند از:

* کاربرد کهن واژگان که امروزه به گونه‌ای دیگر به کار گرفته می‌شوند: اُشتر، شاخ، بنگریست، نتوان دانست؛

* جمع کلمهٔ موش با نشانهٔ «ان»؛

* به کارگیری کلمهٔ «بگسست» در معنی «بریده شد، شکست»؛

* به کارگیری «شهد» در معنی «عسل»؛

* کاربرد کلمهٔ «قاتل» در معنی کُشنده برای غیرانسان؛

* جدانویسی نشانهٔ منفی‌ساز فعل «ن»: «نه اندیشید» که امروزه می‌نویسیم: نیندیشید؛

* کاربرد «را» به معنی «برای» در جملهٔ: «خلاص خود را طریقی می‌جُست»؛

* ترکیب «زنبورخانه» به معنی «لانهٔ زنبور» جالب توجه است؛

* بیشتر جمله‌ها در این نمونه، کوتاه و قابل فهم هستند.

ص ۱۸. ۳. شناسایی و استخراج نکات ادبی

* شبکهٔ معنایی میان «شهد، شیرینی، چشیدن، زنبور و حلاوت»؛

* تضاد میان دو واژهٔ «سیاه و سفید»، «پا و سر» و «سر و قعر» در ترکیب «سر چاه و قعر چاه»، «زهر و شیرینی یا شهد»، «رنج و لذت»، «اندک و بسیار»؛

* بهره‌گیری از تمثیل برای مفهوم غفلت انسان؛

* و ...

شناسایی و استخراج نکات فکری

در این حکایت، نگرش حکمی و تعلیمی برجسته است. نویسنده برای بیان مقصود خود؛ یعنی بهره‌گیری از گذر عمر برای سعادت آن جهانی، در جایگاه اندرز، خطاب به خواننده چندنکته را یادآور می‌شود:

* شریف بودن انسان در میان مخلوقات؛

* گرانبها بودن لحظات عمر؛

* هوشیاری و پرهیز از خوشی‌های زودگذر.

می‌بینیم که این حکایت از یک سو به جایگاه و ارزش انسان، نگاهی مثبت و خوشبینانه دارد و از سوی دیگر نسبت به خوشی‌های مادی و لذت‌های زودگذر، نگرش منفی دارد.

۵. نتیجه‌گیری و تعیین نوع

نویسنده، این فکر را به خواننده انتقال می‌دهد که:

* نسبت به جایگاه انسان، نگاه خوش‌بینانه و والایی داشته باشد؛

* قدر لحظه لحظه عمر خویش را بداند؛

* هوشیاری خود را حفظ کند و ان قدر سرگرم خوشی‌های دنیایی نشود که گرفتار غفلت گردد؛

* سعادت و نیک‌بختی راستین، کسب خشنودی خدای بزرگ است.

بر پایه بررسی‌های انجام شده و تأکید درون مایه اثر، این نوشته را نمونه‌ای از متن تعلیمی یا اندرزی می‌توان به شمار آورد.

ص. ۱۹. خودارزیابی

۱. مفهوم متن را با ذکر دو مثال توضیح دهید.

هر چیزی که ذهن ما را به پویایی درآورد. هر پدیده‌ای که ذهن ما را درگیر کند، به چالش بکشد و ما را در فکر فرو ببرد و برای ما سؤال ایجاد کند یا ایده‌ای در ذهن ما بیافریند؛ مانند گلی که متنی دیداری و بویایی و لمسی است و ما را به یاد خاطره‌ای می‌اندازد و باعث می‌شود به کنکاش دوباره ماجرابی پردازیم یا منظره دریا که متنی دیداری، شنیداری و بویایی، لمسی و چشایی است که ما را درباره شکل درست زندگی مان پرسشگر می‌کند.

۲. یکی از آسان‌ترین و کاربردی‌ترین شیوه‌ها در بررسی و تحلیل متن چیست؟

یکی از آسان‌ترین و کاربردی‌ترین شیوه‌ها در بررسی متن، طبقه‌بندی و تحلیل متن در سه قلمرو زبانی، ادبی و فکری است.

۳. با توجه به قلمرو فکری، دیدگاه خود را درباره محتوا و موضوع سروده زیر بنویسید.

آب را گل نکنیم/ در فرودست انگار، کفتری می‌خورد آب/ یا که در بیشه دور، سیره‌ای پر می‌شوید/ یا در آبادی، کوزه‌ای پر می‌گردد./ آب را گل نکنیم/ شاید این آب روان می‌رود پای سپیداری تا فروشوید اندوه دلی/ دست درویشی شاید، نان خشکیده فرو برده در آب ...

این شعر لطیف که عرفانی و تعلیمی است و در آن عناصر طبیعت جلوه‌ای پررنگ دارند، بر اهمیت حفظ و نگهداری ارزش‌هایمان تأکید دارد که مبادا آنچه هست را بیالاییم (آلوده کنیم) و سنگی را کج بنا نهیم و در پی ما دیگران آسیب ببینند. مانند تغییر دادن فرهنگ به شکلی نامطلوب یعنی کاری را رواج دهیم که به هستی صدمه می‌زند مانند آلوده کردن محیط زیست یا رواج دادن هر رفتار ناشایستی (ریختن آبروی دیگران، مسخره کردن و ...) و مرسوم کردن هر سنت غلطی

۴. در خوانش دقیق شعر زیر، به چه نکاتی باید توجه کرد؟

نهنگی بچه خود را چه خوش گفت به دین ما حرام آمد کرانه

به موج آویز و از ساحل بپرهیز همه دریاست ما را آشیانه

در ابتدا نگاهی کلی و بدون گسست به متن می‌اندازیم و در می‌یابیم، محتوای آن تعلیمی (پند و اندرز) است بنابر این لحنی آرام و آهسته برای تأثیرگذاری در مخاطب انتخاب می‌کنیم و شعر را بنابر محتوایش با لحن روایی - داستانی می‌خوانیم.

۵. سرودهٔ زیر را بخوانید و با توجه به قلمرو ادبی، «کنایه، تشبیه، تشخیص، مَثَل و مراعات نظیر» را شناسایی کنید.

قافیه: گل - توکل - گل - تأمل - تحمل - تنزل ردیف: بایدش قالب: قصیده

* _____	* _____
* _____	_____
* _____	_____
* _____	_____
* _____	_____

بیت ۱. هر که زین گلشن، لبی خندان تر از گل بایدش خاطری فارغ ز عالم چون توکل بایدش

گلشن: استعاره از دنیا. تشخیص: داشتن لب خندان را به گل نسبت داده است.

مراعات نظیر: گلشن و گل.

مراعات نظیر: لب و خندان

بیت ۲. خُرده‌ای از مال دنیا در بساط هر که هست جبههٔ واکرده‌ای پیوسته چون گل بایدش

مراعات نظیر / تناسب: بساط، خرده، مال، دنیا.

واکردن جبهه کنایه از اخم نکردن و خوشرو بودن.

تشخیص: گل جبههٔ واکرده دارد/ گل خوشرو است.

بیت ۳. هر که می‌خواهد که از سنجیده گفتاران شود بر زبان، بند گرانی از تأمل بایدهش

تشبیه مشبه: تأمل مشبه‌به: بند گران.

بند گران بر زبان بستن کنایه از سکوت و اندیشیدن قبل از سخن گفتن

بیت ۴. صبر بر جور فلک کن تا برآیی روسفید دانه چون در آسیا افتد تحمل بایدهش

جور فلک: تشخیص فلک ستم می‌کند.

اضافه استعاری جزئی از مشبه‌به محذوف + مشبه = جور (ستم) جزئی از انسان + فلک

فلک: استعاره از روزگار

رو سفید برآمدن کنایه از موفق شدن و حفظ آبرو.

دانه چون در آسیا افتد تحمل بایدهش: مثل

بیت ۵. قطره آبی که دارد در نظر گوهر شدن از کنار ابر تا دریا تنزل بایدهش

در نظر دارد: کنایه از اینکه قصد و برنامه دارد.

تشخیص: قطره آبی که قصد کار کرده.

مراعات نظیر/ تناسب: قطره، آب، ابر و دریا.

۶. باتوجه به متن زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.

شنیدم که خلیفه‌ای خوابی دید، برآن جمله که پنداشتی که همه دندان‌های او بیرون افتادی به یکبار. بامداد، خوابگزاری (معبّر/ کسی که خواب را معنی می‌کند) را بخواند و پرسید که تعبیر این خواب چیست؟

مُعبر گفت: زندگانی امیر دراز باد، همه اقربای (نزدیکان/ خویشاوندان) تو پیش از تو بمیرند چنان که کس از تو بازنماند.

خلیفه گفت: این مرد را صد چوب بزنیید؛ چرا بدین دردناکی سخن اندر روی من بگفت؟! چه اگر همه اقربای من پیش از من بمیرند، پس آن گاه من که باشم؟!!

خوابگزاری دیگر بیاوردند. همین خواب با وی بگفت.

خوابگزار گفت: بدین خواب که امیر گفت، دلیل کند که خداوند (پادشاه)، دراز زندگانی تر از همه اقربای خویش بود.

خلیفه گفت: تعبیر از آن بیرون نشد (سخن همان است) اما عبارت تا عبارت، بسیار فرق است؛ این مرد را صد دینار دهید.

الف: دو ویژگی زبانی را استخراج کنید.

پنداشتی و افتادی به جای می پنداشت و می افتاد دستور تاریخی: کاربرد ی استمرار در آخر فعل به جای می در آغاز فعل

اقربا (مفرد قریب به معنای نزدیک) به معنای نزدیکان، خویشان، اقوام: استفاده از واژه عربی

اندر به جای در: کاربرد شکل کهن واژه

بیاوردند و بگفت: دستور تاریخی استفاده از ب در آغاز فعل ماضی ساده

جمله‌های کوتاه و متن ساده

۶. چه عاملی باعث شد خلیفه، رفتاری متفاوت با دو خوابگزار داشته باشد؟

تفاوت در نوع نگاه از زاویه منفی: همه خانواده‌ات می میرند و تنها می مانی

مثبت: عمر تو از همه خانواده‌ات بیشتر خواهد بود.

تفاوت در شیوه بیان

توجه به حال مخاطب

توجه به تأثیر کلام در مخاطب

۷. حکایت زیر را بخوانید و آن را از دید قلمرو ادبی و فکری بررسی کنید.

روزی شخصی پیش بهلول، بی ادبی نمود. بهلول او را ملامت کرد که چرا شرط ادب به جا نیاوردی؟

او گفت: چه کنم؟ آب و گیل مرا چنین سرشته‌اند.

گفت: آب و گیل تو را نیکو سرشته‌اند اما لگد کم خورده است!

مجاز: آب و گل مجاز از بدن انسان

لگد خوردن کنایه از تنبیه شدن / تربیت شدن

مراعات نظیر: آب، گل

زشت دانستن بی ادبی

اهمیت تربیت شدن و مؤدب بودن

متن روایی - داستانی است و نوع آن متن تعلیمی است.

نمونه‌هایی برای دستور تاریخی:

کابرد «ب» بر سر فعل ماضی: برفت (رفت)، بُبرید (بُرید)

استفاده از «همی» به جای می: همی‌رود (می‌رود)

استفاده از «ی» در پایان فعل ماضی استمراری: رفتندی (می‌رفتند)، بترسیدندی (می‌ترسیدند)

استفاده از نشانه «می» برای فعل امر: می‌باش به عمر خود سحرخیز (باش)

جدا نوشتن پیشوند منفی‌ساز فعل: نه‌اندیشد (نیندیشد)

استفاده از پیشوند منفی‌ساز «م»: میندیش (نیندیش)، تندی مکن (نکن)، میوشان

استفاده از حرف اضافه تأکیدی / کاربرد دو حرف اضافه برای یک متمم: به ابر اندر آمد، به این نامه اندر،

استفاده از «مر» پیش از مفعول: مر آن را،

کاربرد را به معنای حرف اضافه: اکنون مرا بگو (به من بگو) خلاص خود را طریقی می‌جُست: برای خلاص خود طریقی می‌جست. دیده سیر است مرا

کاربرد رای فک اضافه: همه دریاست ما را آشیانه (همه دریا آشیانه ماست)

جمع بستن واژگان با «ان»: موشان

مطابقت صف و موصوف در شمار: رزمجویان گُندآوردن

شکل قدیمی واژه: اوفتاد (أفتاد)، اندر (در)، شارستان (شهرستان)، نبشته (نوشته) دشخوار (دشوار)،
افگند (افکند)

کاربردهای تاریخی دستور: «مُرده کرد» خود را به مردن زد، نمی یارست ... کم انگاشت، به کار آید
همی، نامه کرد،